



نظامهای سیاسی و توسعه شهر در جوامع غربی

رهیافتی تأویلی

نگارش: الیزابت لیشتن برگر^۱
برگردان: حسین حاتم‌نژاد^۲
(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد)

فهرست

- (۱) پیشگفتار
- (۲) هم‌گرایی و واگرایی در توسعه شهری
- (۳) نظامهای سیاسی و توسعه شهری
- (۳-۱) توسعه شهری، تخریب شهری و توسعه مجدد شهری
- (۳-۲) تخریب شهری و توسعه مجدد شهری در نظام سرمایه‌داری خصوصی (نمونه: ایالات متحده آمریکا)
- (۳-۴) تخریب شهری و توسعه مجدد شهری در کشورهای اجتماعی مرفه
- (۳-۵) نظامهای سیاسی و تخریب شهری
- (۴) توسعه شهری در آینده
- (۴-۱) مسأله بازگشت به ساختار فیزیکی شهر
- (۴-۲) گذشت مدنیت

(۱) پیشگفتار

نوشتن مقاله‌ای پیرامون هم‌گرایی و واگرایی در توسعه شهری اروپا و آمریکای شمالی درست هم‌زمان با واژگونی اهمیت دنیوی نظامهای سیاسی و وظیفه‌های خطیر است. چهل و پنج سال توسعه بعد از جنگ جهانی به سر آمده است، تقسیم آلمان ملغی گردید، به نظر می‌رسد ایجاد «خانه مشترک اروپا» به آسانی میسر شود. ترسهای بدبینانه در مورد پرورش «یکپارچگی اروپا» که در اثنای دهه ۱۹۸۰ میلادی رواج یافت، در دیدگاه اشنپنگلر^۳ راجع به افول غرب پرورش یافت و اینک به دست فراموشی سپرده شده است.

در آستانه آغاز هزاره سوم بعد از میلاد، تمام امور جهان در اروپا

انجام می‌شود. ایجاد «ملل متحد اروپا» دیگر یک امر واهی نیست.

این حقایق برای آینده توسعه شهری به چند طریق اهمیت دارند: (۱) پروژه‌های عظیم فنی مانند پروژه تونل^۴ در دست اقدام هستند، تونلهای طولی جدید در زیر سلسله جبال آلپ تحقق یافتنی به نظر می‌رسد. (۲) نظام شبکه‌ای (شطرنجی) از راههای اتومبیل رو با انشعابات شرقی و جنوبی افزایش خواهد یافت. سرمایه‌گذاری عظیم در شبکه مالی خطوط راه‌آهن منتج به کارایی شبکه (EC.Wide) خواهد شد. (۳) نواحی شهری مترکم که تاکنون با سهم زیادی از بخش چهارم (اقتصادی) در تأسیسات تحقیقاتی و توسعه همراه بوده است، ار رشد لوازم و تجهیزات بیشترین سود را خواهد برد.

(۴) دوره فوقانی نظامهای ملی شهری تا حد زیادی تحت عنوان قدرت فوق ملی بازار مشترک اروپا قرار خواهد گرفت. در آنجا میان آنها برحسب امتیازات محلی جدید، رقابت خواهد بود. بدین ترتیب نوعی جایگاه «نخبگان اروپایی» در میان نواحی بزرگ متروپلیتن بوجود خواهد آمد.

(۵) سیاستهای ناخیه‌ای در جوامع اروپایی نه تنها نقشه اقتصادی اروپا را تغییر خواهد داد؛ بلکه طبقه‌بندی جدید از «مراکز ناحیه‌ای» ایجاد خواهد کرد، که فقط با سرمایه‌های اراضی الحاقی به جمهوری فدرال آلمان شناخته خواهد شد.

(۶) راهی وجود ندارد که هنوز گفته شود آیا تا چه حد گسترش نهادها برای هم‌سطح‌سازی اجتماعی و تفرقه‌های فضایی پیشرفته در کشورهای اجتماعی مرفه دست نخورده باقی خواهد ماند، و تا چه حد از گسترش، سیاستهای اجتماعی از سیاستهای اقتصادی مجزا خواهد بود و تا چه حد از

مشخص می‌گردد. شایان ذکر است که مطلوبیت گسترش شهری به هزینه توسعه مجدد تمام می‌شود.

کوشش نگارنده، مطرح کردن این مسأله بوده است که تخریب شهر و توسعه مجدد شهری در مقابل زمینه رشد شهری در نظامهای مختلف سیاسی تشابهات و اختلافاتی را به وجود می‌آورد.

هنگامی که توسعه شهری را در آمریکای شمالی و اروپا مورد مقایسه قرار می‌دهیم، سه نوع نظام سیاسی در نظر گرفته می‌شود:

- سرمایه‌داری خصوصی
- سرمایه‌داری دولتی
- مفهوم کشور اجتماعی مرفه

۲-۳) تخریب شهری و توسعه مجدد شهری در نظام سرمایه‌داری خصوصی

نخست آمریکای شمالی را مورد بحث قرار می‌دهیم. برای یک دوره کوتاه یعنی دوره وابستگی استعماری، توسعه شهری در آمریکای شمالی به وسیله لیبرالیسم هدایت می‌شد. در نتیجه حالت واقعی بازار به وسیله تقاضا و عرضه تنظیم می‌شد. در این تنظیم بازار، قیمت زمین، اجاره زمین و معامله زمین، تنظیم کنندگان اصلی به شمار می‌آمدند.

از آن جایی که طی دو دهه سال گذشته تقریباً هیچ تغییری در سیستم سیاسی پدید نیامد، شهرهای آمریکای شمالی می‌توانند به عنوان نمونه‌های مدلی برای اثرات قوانین سرمایه‌داری روی نظامهای شهری در نظر گرفته شوند؛ در حالی که با تغییرات هم‌زمان، تکنولوژی صنعتی، ساختمانی و حمل و نقل متقابلاً بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند.

عناصر فهرست شده در زیر ممکن است به فهم این نمونه از توسعه شهری کمک نماید:

الف) هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده در قالب پیروی از منافع و به حداکثر رساندن سود مشخص شده‌اند. این رفتار راهبردهای سرمایه‌گذاری جمعیت را کنترل می‌کند و از هر نوع سرمایه‌گذاری در ساختمان‌سازی که ارزش افزوده زیادی نداشته باشد، جلوگیری می‌کند. مخصوصاً بانکها و شرکت‌های بیمه در جایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که بالاترین عایدی قابل انتظار را داشته باشند. بنابراین نواحی تحت‌الشعاع داخلی شهرها در زیر خط قرمز (مناطق قلم خورده) قرار می‌گیرند. حتی اگر برخی از مردم آماده نوسازی بخشهای فرسوده باشند، کسی به آنها وام نمی‌دهد. به این دلیل، توسعه مجدد شهری در چارچوب فرآیند بازگشت به «اقتصاد جهت یافته» فقط می‌تواند تخریب کامل نواحی مسکونی قبلی، جایگزینی آنها بوسیله خطوط ترافیکی و تقاطعها یا سایر کارکردهای غیر مسکونی، یا اعیان‌سازی بخشهای جذاب از نظر زیباشناسی به روشهای تاریخی برای یک جمعیت فرآینده در شهر جدید را شامل می‌شود.

ب) میزان بسیار بالای مسکن سازی همراه با رشد و پیشرفت سریع تکنولوژی، مدت زمان متوسط برای احداث ساختمانهای مسکونی را کوتاه ساخته است. بدین ترتیب پاسخگویی عمر متوسط انسان یا اخیراً فقط

گسترش سیاستهای اجتماعی بیش از سطح ملی خواهد بود. سیاستهای مسکن در دوره بعد از جنگ جهانی مثال مناسبی برای مورد اخیر بشمار می‌رود.

این سؤال با موضوع «همگرایی و واگرایی در توسعه شهری» پیوند می‌خورد.

۲) هم‌گرایی و واگرایی در توسعه شهری

حامیان نظریه همگرایی در توسعه شهری ممکن است در توسعه نظامهای شهری عوامل ثابتی را ذکر کنند. از میان آنها موارد زیر قابل ذکر هستند:

الف) تمامی تکنولوژی‌های بکار گرفته شده در ساختمان، در تولید کالا، در حمل و نقل، در بخش عرضه و مصرف ضایعات، در زمینه ارتباطات و اطلاعات.

ب) پارامترهای اقتصادی و فرقی‌گذاری در فرآیند تقسیم نیروی کار از بخشهای دوم به سوم و چهارم.

عوامل دخیل در واگرایی توسعه شهری ممکن است مجموعه‌های متغیر زیر را شامل شود:

۱) ساختارهای مقاوم در توسعه شهری، مانند ساختار فیزیکی و سطوح کاربری اراضی، هنجارهای سنتی و رفتارهای بخشی از جمعیت و نهدهای واقعی و فضایی سازمان.

۲) اصول صوری برنامه‌ریزی شهری، بویژه انواع ساختمان برای مسکن و

۳) نظامهای سیاسی کنونی با مدلها و مجموعه اقداماتشان برای سازمان فضایی و ساخت اجتماع و اقتصاد.

این تحقیق توجه خود را حول اثر نظامهای سیاسی متمرکز ساخته است.

۳) نظامهای سیاسی و توسعه شهری

۱-۳) توسعه شهری، تخریب شهری و توسعه مجدد شهری: نظامهای سیاسی طی فرآیندهای خاصی در توسعه ساختار فیزیکی شهر در ناحیه شهری و در سازمان فضایی جامعه کاملاً مؤثرند؛ بنابراین هر گونه تغییر سیاسی به تغییر و جابه‌جایی و تجدید ساخت در ساختمانها و جامعه شهری منتج می‌شود.

در این متن، توسعه شهری به صورت یک فرآیند یک طرفه در نظر گرفته نشده است. بلکه به صورت یک فرآیند دو جانبه از گسترش شهری و توسعه شهری در نظر گرفته شده است. به طور کلی گسترش نظام شهری همیشه پیش از توسعه شهری صورت می‌گیرد. عقب‌انداختگی زمان میان گسترش و توسعه ساختار فیزیکی مستقیماً به افزایش کسر سرمایه در ناحیه ساخته شده بستگی دارد. (نگاره شماره ۱)

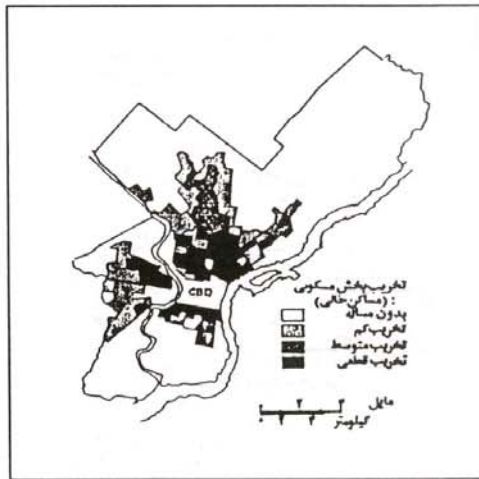
در حال حاضر، تخریب شهری در تمامی دنیای غرب و کشورهای شرقی اروپا به وسیله عدم تعادل، میان گسترش و توسعه مجدد شهر

سرمایه‌داری خصوصی وجود دارد. بیش از همه، یک نظام دقیق تخصیصی در این گونه کشورها وجود دارد که سیاستهای متمرکز توسعه شهری را اعمال می‌کند، بدون هیچ گونه نظام بازاری که میزان سرمایه نیروی کار و بزّون ده تولید را تنظیم کند. به علت ملی کردن زمین، امکان تولید سرمایه به وسیله افزایش قیمت زمین وجود ندارد. امور اقتصادی و جمعیتی کشور بدون سرمایه‌ای کردن زمین به عنوان یک منبع اقتصادی، با جبر اداره می‌شود.

از آنجایی که قوانین اقتصاد بازاری به کار گرفته نمی‌شوند، بازارهای مکمل نیمه آزاد^{۱۰} و سیاه به منصف ظهور می‌رسند. بدین ترتیب، بازار تبادل کالا، خصیصه نظام سرمایه‌داری دولتی است و به طول کلی از آزادی عمل بخش مسکن همچون کالاها و خدمات عمومی مصرفی خاص جلوگیری می‌کند. مسکن یک منبع کمیاب است. نظام تخصیص عمومی به متقاضیان فشار وارد می‌کند تا برای چندین سال جهت اختصاص یک آپارتمان منتظر بمانند. به این طریق فاقد تحرک است. نتایج دیگری نیز حاصل می‌شوند، مثلاً میان حالت تعمیری واحدهای مسکونی و منزلت اجتماعی ساکنانشان ناهماهنگی به وجود می‌آید.

اگرچه نواحی و مسکن مخروبه در کشورهای سرمایه‌داری به حاشیه‌نشینان اجتماعی و گروههای قومی خاص اختصاص می‌یابد ولی این موضوع، در مورد شهرهای کشورهای سوسیالیستی صدق نمی‌کند. فقط در رشته متوالی نسلها پدیده حاشیه‌نشینی^{۱۱} با گسترش خاصی ظاهر می‌شود. ولی تحت تأثیر متقابل سیاست عمومی تخصیص در بخش مسکن، به عنوان راهبردهای ضدجدایی‌گزینی قرار می‌گیرند. این راهبردها تلویحاً در نظام تخصیصی چنین کشورهایی وجود دارند.

تحولات سیاسی اخیر در کشورهای سابق کومکون^{۱۲} شاید پایانی برای سیاستهای توسعه شهری باشند که به طریق زیر مشخص می‌شوند: مؤسسات عمومی و اجتماعی نسبت به بخش خصوصی، الویت مطلق دارند و در نظام «طراحی شهری سوسیالیستی» در مراکز شهرهای جدید متمرکز شده‌اند. در صورتی که «شهرهای کهنه پورژوایی» و بلوکهای آپارتمانی دوره مؤسسين سالهای (۱۹۱۴ - ۱۸۲۸) میلادی رها نگردیده و تخریب شدند. در این مورد بوداپست مثال بسیار خوبی است ناحیه «توسعه مجدد شهری» شامل ۱۲۰۰۰۰ آپارتمان می‌شود که بایستی طی یک نسل نوسازی یا تخریب شوند. این دوره زمانی تا سال ۲۰۱۵ میلادی طول می‌کشد. موقعیت مکانی نواحی مخروبه، در بیشتر موارد، در نزدیکی مراکز شهری کشورهای اروپای شرقی مشابه وضعیت آنها در آمریکای شمالی است (نگاره شماره ۳)



نگاره شماره (۲): نواحی مسکونی تخریب در فیلادلفیا

قیمت زمین به علت اثرات متقابل و تنگناگ کارخانه‌های اتومبیل‌سازی، شرکت‌های نفتی، سازمانهای بزرگ صنعت ساختمان‌سازی، بانکها، تأمین رهن‌گذاری و شرکت‌های درگیر و در ساخت بزرگراهها حومه‌نشینی را به یک فرآیند خود تنظیمی تبدیل کرده‌اند. حومه در نظام سکونتی ایالات متحده آمریکا به صورت یک عنصر مهم و برجسته درآمده است.

علی‌رغم گسترش امکانات تحرک در سطح شهر، پدیده سحرآمیز این است که هنوز یک فرآیند برجسته جمعیتی، اجتماعی و جدایی‌گزینی قومی (نژادی) ادامه می‌یابد. از آنجایی که نواحی مستعد برای سکونتگاهها تقریباً در همه جا وجود دارد، به نظر نمی‌رسد که مردم و نه اولیای امور درک کرده باشند که «مراکز متروک» و در شهرهای آمریکای شمالی در حال توسعه می‌باشند. هیچ‌کس اقداماتی تازه برای توقف توسعه در نظر ندارد.

ترجیح دادن «زندگی در حومه‌ها» بر اساس یک رفتار ضدشهری است، با وجود این حومه‌گرایی، نه تنها حاصل دسترسی عمومی به انواع جدید ارتباطات، کالاها و خدمات است که از طریق گسترش پیشرفتهای تکنولوژی ممکن شده است بلکه ناشی از واقعیت تاریخی و سیاسی است که مبنای ادراک توسعه شهری قاره اروپا است. و این که «جامعه شهر نشین»^۸ و وضعیت مهم گروه شهر نشین در جامعه ماقبل صنعتی (ر.ک. جامعه و اقتصاد، ماکس وبر)^۹ بر توسعه شهری آمریکای شمالی تأثیر گذاشته است.

۳-۳) تخریب شهری و توسعه مجدد شهری در نظام سرمایه‌داری دولتی

در این جا نظام سرمایه‌داری دولتی را در کشورهای اروپای شرقی در نظر می‌گیریم. نواحی بزرگی از تخریب، به طرز جالبی در تمام بخشهای درونی شهرها یافت می‌شوند. با وجود این تفاوت‌های اساسی با نظام

۳-۴) تخریب شهری و توسعه مجدد شهری در کشورهای اجتماعی مرفه

با توجه به الگوی فضایی و توسعه مناطق مخروبه شهری و توسعه مجدد شهری، کشورهای اجتماعی مرفه اروپای غربی، یک وضعیت میانهای را دارا هستند، اگرچه به علت اختلافات موجود در سیاستهای ملی



مسکن تفاوت‌های قابل توجهی در میان آنها وجود دارد، چند خصیصه مشترک در همه آنها عبارت هستند از:

۱) برای مسکن، کار و فعالیتهای اوقات فراغت بازارهای خاصی وجود دارد. مثلاً قسمتهای مخصوص عرضه آپارتمان، شغل و امکانات اوقات فراغت یا به خاطر حقوق خاص مالکیت (مالکیت دولتی، مالکیت مقامات محلی، تعاونیها و غیره) یا به علت محدودیتهای قانونی در قابلیت بازاری شدنشان، از بازار جدا شده‌اند. به علاوه، پارانها برای اهداف باگرومی از افراد خاص وجود دارد. مضافاً این که اهرمهای تنظیم کننده مهمی به عنوان تخلیه کننده منافع حاصله از زمین وجود دارد. کاربری اراضی شدیداً تحت حاکمیت قانون است و به ویژه در مراکز شهری، قوانین به طور جدی از پناهای تاریخی پاسداری، و فعالیتهای ساختمانی را محدود می‌کنند.

۲) تقطیع بازار مسکن از عوامل مهم توسعه شهری است که در اهمیت آن نباید اغراق شود. اساساً بخشهای مجزا، از نظر دسترسی، شرایط تفاوت دارند:

الف) گروههای ممتازی وجود دارند (اعضای احزاب سیاسی، کارکنان کارهای بزرگ و خاص، حرفه‌های خاص و غیره) که با قیمت پایین‌تر از ارزش بازار به آپارتمانها دسترسی می‌یابند.

ب) قوانین و احکام، قدرت زمین دار را در متصرفاتش کاهش می‌دهد، و قوانین حمایت عمارات استیجاری به مستأجران یک نوع «مالکیت کاذب» برای آپارتمانهایشان می‌بخشد.

ج) در کشورهای خاصی، برحسب نوع ایدئولوژی غالب، سیاستهای مسکن به عنوان وسیله‌ای برای یک واگرد ضد جدایی‌گزینی مورد استفاده است. و در بعضی شهرها، سیاستهای مسکن عامل مؤثری در تقسیم‌بندی مکانی می‌باشد.

۳) به علاوه این حقیقت بسیار مهم است که در کشورهای اجتماعی مرفه برای مدت زمانی طولانی، ادارات دولتی یا مقامات محلی تأمین کننده مؤسسات و شبکه‌های زیرساختی تکنیکی و اجتماعی بوده‌اند. اهمیت ویژه مربوط به سیاستهای آموزشی و تجمع گروههای مختلف اجتماعی و نژادی (قومی) به وسیله سیستم عمومی آموزشی است. بنابراین کم و بیش اثر مؤسسات آموزشی خصوصی را محو می‌کند.

تخریب شهری به مثابه یک ساخت علمی و به عنوان یک منظر فیزیکی تقریباً در اروپای شمالی ناشناخته است، و در کشورهایی مانند جمهوری فدرال آلمان و سوئیس وجود ندارد. در آلمان، در حال حاضر عمدتاً ساختمانها از جایی دیگر تهدید می‌شوند. و آن خرابه‌های حاصل از بمباران در جنگ جهانی دوم و اواخر آن دوره است. به علاوه، یک سنت دیرپا از قوانین و اقدامات با توجه به حفاظت و بازسازی ساختار فیزیکی شهرها وجود دارد. مقامات شهرداری در اواخر قرن نوزدهم با معرفی زیرساختهای مدرن به انجام بهداشت (بهسازی) قسمتهای قدیمیتر شهرها پرداختند.

به علاوه در ابتدای قرن حاضر، حرکت حفاظت با پاسداری از آثار

تاریخی و فرهنگی در کشورهای آلمانی زبان آغاز گردید. تخریب یا توسعه مجدد کامل قسمتهای بزرگی از مراکز شهری (پروژه‌ای که در بریتانیای کبیر در دوره بنیانگذاران (سالهای ۱۹۱۴ - ۱۸۴۸ میلادی) و سپس در اثنای دهه ۱۹۶۰ عمومیت کامل داشت.) در آن جا اتفاق نیفتاد ولی حفاظت شهرهای کهنه و آثار تاریخی و فرهنگی با ایدئولوژی حفاظت طراحی شهری تلفیق گردید. بعداً چنین وضعیتی در فرانسه نیز به وجود آمد و تحت عنوان «قانون مارلو»^{۱۳} نامیده شد.

۳-۵) نظامهای سیاسی و تخریب شهری

مقایسه شهرها در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که تخریب شهری برای تمام نظامهای سیاسی نیم‌کره غربی عمومیت دارد. به نظر می‌رسد دلیل عمده‌اش عبارت است از عدم تناسب میان گسترش و بازسازی شهری. مطالب مطروحه در ذیل خطوط کلی سیمای اصلی آن را نشان می‌دهد:

در آمریکای شمالی، خروج ساکنان از مرکز شهری، یک نظام جدید سکونتگاهی را به وجود آورد، و آن حومه‌نشینی بود و به علت حومه‌گرایی است که بیش از نصف جمعیت ایالات متحده آمریکا در حال حاضر در این نظام مستقل اجتماعی اقتصادی زندگی می‌کنند. بنابراین حومه‌نشینی از مسایل مراکز شهرها اطلاعی ندارند. در آن جا، مجموعه بسیار نامطلوبی از کمبود سرمایه‌گذاری مجدد در ساختار فیزیکی، برگشت مالیاتی را کاهش داده و حاشیه‌گرایی جمعیت موجب توسعه نواحی فرسوده مرکزی شده است. (با موارد فوق مقایسه کنید).

حتی بازگشت برخی از افراد در رابطه با اعیان‌نشین‌سازی و تطابق‌پذیری و بازسازی قسمتهای قدیمیتر و مسکن مسطح در قسمتهای درونی شهرها به روش تاریخی‌شان نمی‌توانست گسترش تخریب را متوقف سازد. فقط در چند شهر بزرگ‌خیز بخش چهارم (اقتصاد)، توسعه مجدد را دامن زد.

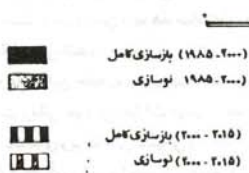
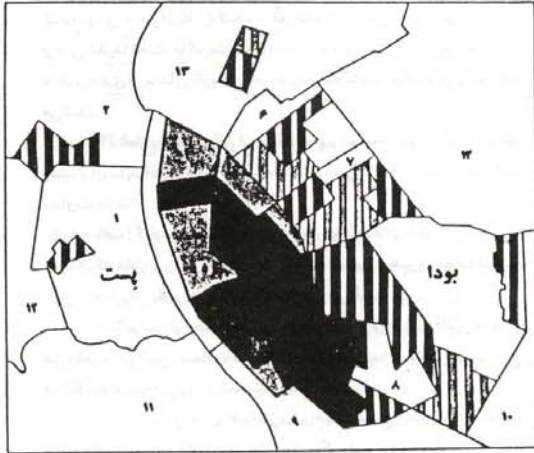
هرچند تخریب شهری باید هم به صورت یک حالت و هم یک فرآیند در نظر گرفته شود ولی فرآیند تخریب شهری فقط تحت حاکمیت قوانین عمومی بدعت گذاری است. بنابراین، از یک سو، حتی مساکن جدیدتر نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. و از سوی دیگر فرآیند تخریب از مرکز شهر به سمت پیرامون گسترش می‌یابد. بدین منوال، تخریب از نواحی ساخته شده در دوره مؤسسن (سالهای ۱۹۱۴ - ۱۸۴۸ میلادی) شروع شده و اکنون در حومه‌های قدیمی‌تر و شهرهای کوچک در حاشیه مجموعه‌های بزرگ شهری^{۱۴} قابل مشاهده است.

جالب اینکه، یک توسعه مشابه در شهرهای موجود در کشورهای اروپای شرقی با نظام سرمایه‌داری دولتی وجود دارد. در آنجا نیز تخریب شهری به سبب کمبود یا نبود سرمایه‌گذاری مجدد در واحدهای ساختمانی است. گرچه به دلایل مختلف، بسیاری از صاحبان سابق خانه‌ها از مالکیت آنها خلع ید شدند؛ و هنوز بسیاری از خانه‌ها مایملک دولت به شمار می‌آیند. به علاوه سیاست و «اجاره‌باین» برای مالکین سرمایه‌ای به وجود

فرآیندهایی در توسعه شهری

آمریکای شمالی	کشورهای کومکون
خروج از شهرها	مهاجرت از شهرها
حومه گرایی	گسترش شهری
شهر گریزی	حرکت یا نهفت خانه‌های دوم
	تقسیم کارکرد مسکن
	تخریب ساختارهای فیزیکی
	تخریب ساختمانهای دوره مؤسسن (سالهای ۱۹۱۴ - ۱۸۴۸ میلادی)
	تخریب حومه‌های قدیمی
	توسعه مجدد
	بازگشت به شهر مرکزی توسط شهرنشینان جدید
	تجدید گروه‌بندی جمعیت
	مهاجرت به شهرها ادامه دارد
	بازسازی شهری در شهرهای قدیمی

درونی شهرها در اروپای شمال غربی کار کنند. شیوه زندگی که آنها به وجود آورده‌اند نامشخص است. و تاکنون توجه بسیار کمی به این واقعیت مبذول شده است: در مکانهای مبدأشان، عمدتاً سکونتگاههای کوچک روستایی و شهرهای کوچک در پرتغال، اسپانیا، ایتالیا، یوگسلاوی و یونان، آنها طبقه‌بالی جامعه را تشکیل داده‌اند. بنابراین المثنی شهر گریزی اروپایی در آمریکا از یک سو مرکب از وجود تعداد بسیاری از خانه‌های دوم و از سوی دیگر فعالیتهای ساختمانی کارگران خارجی (مهمان) در کشورهای مبدأشان می‌باشد.



منبع: اداره پلانری شهری بوداپست (۸)

نگاره شماره (۳): تخریب شهری و توسعه مجدد شهری در بوداپست

۴- توسعه در آینده

۴-۱) مساله بازگشت به ساختار فیزیکی شهر

«دوره زمانی تخریب و فرسودگی» تقریباً تمام کالاهای مادی و غیرمادی، به علت پیشرفت در تمامی زمینه‌های علمی، تکنولوژی و سرمایه قطعاً تمایل به کوتاه شدن دارد. وقتی چنین مفهومی را در ساختار فیزیکی شهرها به کار گیریم، این موضوع اهمیت می‌یابد که کاهش طول عمر متوسط تمامی ساختارهای فیزیکی، به ویژه افزایش سریع از مضافات ساخت بناها در همه جا مثلاً در ایالات متحده آمریکا فعالیتهای ساخت و ساز، ساختمانهای موجود را در یک دوره زمانی چهل ساله دوباره

نیاورده تا در منازل آپارتمانی شان سرمایه گذاری کنند. بودجه‌های ملی برای گسترش شهری و توسعه مجدد شهری کفایت نمی‌کرد. به ویژه در استانهای جدید جمهوری فدرال آلمان تخریب و فرسودگی شهرهای قدیم بورژوازی قابل توجه است. همچنین به علت ایدئولوژی حاکم در طراحی شهری در طی یک و نیم نسل که به ایجاد شهرهای جدید سوسیالیستی اصرار داشته است، تخریب شهری در شهرهای قدیمی به چشم می‌خورد. این موضوع تفاوت‌های اساسی را نشان می‌دهد: در کشورهای سوسیالیستی فرافکنی و حومه گرایی وجود نداشت. به علت شرایط نامطلوب در نواحی روستایی و در شهرهای کوچک، مردم گرایش دارند که به درون شهرها به ویژه به شهرهای بزرگ بروند. به جای حومه گرایی و شهر گریزی، تقسیم کارکرد مسکن قرار می‌گیرد. پارانه‌های عمومی به مسکن در بلوکهای بزرگ آپارتمانی همراه با سیاستهای «اجاره پایین» یک چهره منحصر به فردی به اروپا بخشیده است، این ویژگی در قالب دو بخش کردن کارکرد مسکن با واحدهای مجزا، یکی برای کار و دیگری برای فراغت به چشم می‌خورد (در جمهوریهای تازه استقلال یافته: داجاز^{۱۵}) بدین ترتیب قسمتهای از جمعیت شهری در دو جامعه زندگی می‌کنند.

این موضوع عمدتاً در کشورهای سوسیالیستی سابق و در برخی از شهرهای بزرگ اروپای غربی یعنی جایی که سیاستهای «اجاره پایین» به تصاحب و نگهداری خانه‌های دوم کمک می‌رساند، وجود دارد. در فرانسه، سوئد، اتریش، مجارستان و جمهوری فدرال چک^{۱۶} ثلث ساکنین شهرهای بزرگ دو واحد مسکونی دارند. نتایج حاصل از این پدیده در این جا می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. کافی است بگوییم که این نوع زندگی، مملکت مهمی برای ارزیابی منزلت اجتماعی افراد و نیاز بخشهای بزرگی از جامعه است. روش جدید زندگی از چارچوب سیاسی مکانی که از آن منشاء گرفته، مستقل بوده و نیز واقعیتی از وضعیت کشورهای سابق کومکون است. نوع دوم پدیده «زندگی در دو جامعه» به وسیله کارگران خارجی (مهمان) بوجود آمده است. یعنی توسط کسانی که آمده‌اند تا در بخشهای

خانواده‌های بزرگ طبقات بالا و متوسط اجتماع در رشد و تعالی فرهنگ شهری و شیوه‌های زندگی شهری را استنتاج کرد.

امید آن است که مدل جدایی‌گزیی رایج در آمریکای شمالی، با زندگی خانواده‌ها در حومه‌ها و خانوارهای کوچک متمرکز در بخش درونی شهر، در اروپا هرگز تحقق نیابد. و افراد جوان خواهند خواست که در قسمت‌های درونی شهر اقامت کنند. به این طریق شهرهای بزرگ قادر خواهند بود که به عنوان مراکز نوآوری در فرهنگ اروپایی باقی بمانند. □

پاورقی:

1) E. Lichtenberger

۲) مترجم خود را مرهون الطاف استاد محترم جناب آقای دکتر مصطفی مؤمنی می‌داند که با راهنمایی‌های سازنده‌ی وی را یاری نمودند. همچنین از خاتم حکمت شاهی اردبیلی دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد به خاطر ترسیم نقشه‌ها تشکر می‌کند

3) Shpengler

4) Chunnel

5) B.J.L. Berry

6) Down Town

7) Counterurbanization

زندشهرگرایی، شهرگرایی

8) Burghers Community

9) M. Weber

10) Grey

11) Marginalization

12) Comecon

13) Lex Malraux

مالرو نویسنده و سیاستمدار فرانسوی

(سالهای ۱۹۷۶-۱۹۷۱ میلادی) وزیر خدمات فرهنگی از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۹ م.

14) Agglomeration

دکتر ید... فرید در کتاب جغرافیا

و شهرشناسی آن را منطقه شهری ترجمه کرده‌اند.

۱۵) داجاز (Dachas) اصطلاح روسی برای خانه‌های روستایی است که در تابستان مورد استفاده قرار می‌گیرند (م).

16) CSFR

17) Mortgage of Death

مشخصات منبع اصلی:

Political Systems and City Development in Western Societies

A Hermeneutic Approach

By: Elisabeth Lichtenberger

Colloquium Geographicum, Band 22

Modelling The City - Cross - Cultural Perspectives

Herausgegeben

Von Eckart Ehlers Bonn 1992

Pages: 16-23

تولید خواهد کرد. و این در صورتی است که میزان سرعت فعلی باقی بماند. با نرخ سریع گردش پول سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تکنیکی، مکانهای مورد نیاز صنعتی و اداری و همچنین ساختمانهای مسکونی، ساختار فیزیکی شهرها کارکرد ثابت خود را به دنبال نسلهای شهری از دست می‌دهد.

دوگونه توسعه با هم ترکیب شده‌اند: یک کاهش در طول عمر متوسط عناصر خاصی از ساختار فیزیکی و یک افزایش در جمعیت شهری، قانون کلی پذیرفته شده تا قبل از زمان حاضر مبنی بر این که ساختمانهای مقاوم بقای توالی نسلها را بوجود می‌آورد، دیگر اعتباری ندارد. یک مسأله جدید به وجود آمده است: تخریب وسیع بسیاری از عناصر ساختار فیزیکی شهر به مثابه المثنی رشد است.

«بازگشت و تجدید چرخه دائمی» نه تنها جایگزین ویرانیهای سنتی شده است بلکه باید برای تمام عناصر ساختار فیزیکی شهرها به کار گرفته شود.

مطالعات مهاجرتی نشان می‌دهد که امواج درون کوچی با یک نوع «ره‌ن‌گذاری مرگ»^{۱۷} یک یا دو نسل بعدی برای نظام اجتماعی مشکل ایجاد کرده‌اند؛ برای ساخت شهرها مفهوم مشابهی می‌تواند به کار گرفته شود. میزان ساخت و ساز امروزی می‌تواند برای تخمین نیازهای تجدید چرخه (بازگشت) فردا مورد استفاده واقع شود. برنامه‌ریزی شهری باید دوباره جهت دار گردد؛ تغییرات کاربری اراضی در گذشته نزدیک باید مبنایی برای پیش‌بینی روندهای توالی کاربری اراضی در آینده گردد.

۴-۲- گذشته مدنیت:

جامعه‌شناسان، معماران و مورخان فرهنگی، مدنیت را مورد بحث قرار داده‌اند. مدنیت یک ساخت نظری (تئوریک) و همچنین یک اپیدئولوژی است. ساخت نظری شامل عناصر مادی فرهنگ شهری و عناصر سازمانی جامعه شهری و کیفیت یک شیوه زندگی بخصوص است. با وجود این ساخت نظری نه به کار گرفته شد، نه به یک مدل تبدیل یافت و نه مهم انگاشته شد.

با توجه به ساختار فیزیکی یک شهر، بناهای یادبود، فضاهای باز وسیع، و گنجایش خطوط ترافیکی، نمایش جلال و شکوه و تنوع، ویژگیهای حتمی و واجب مدنیت به شمار می‌روند. که خود به مثابه دامنه وسیع شیوه‌های زندگی با امکان وجود اشکال بسیار انفرادی منازل مسکونی، توناهای بالقوه جذب و یادگیری و یک طیف وسیع از کالاهای مربوط به موارد توصیف شده فوق می‌باشد.

یک فرضیه باید ساخته شود: مدنیت نمی‌تواند از تجمع جمعیت چشم‌پوشی کند. به نظر می‌رسد، این شرط فوق‌العاده مهم است: اگر جدایی‌گزیی برحسب گروههای سنی و انواع خانوارها باشد و اگر «گروهها» به محلات مجزا برمی‌گردند؛ تداوم اجتماعی برحسب چگونگی گذشت از سنتهای فرهنگی و بنابراین مدنیت قطع می‌شود.

با مطالعه فرهنگ شهری مقابل صنعتی، می‌توان کارکرد مهم



- Policy - Making and Metropolitan Dynamics: A Comparative Geographical Analysis. Cambridge, Mass.: 59-99.
- DUMSDAY, J. 1985. Conference report: Declining cities: who is to blame? Falling apart: what is happening to our cities? The Town and Country Planning Association Annual Conference, London, 6-7 December 1984. *Cities* 2,2: 176-178.
- ECONOMIC COMMISSION FOR EUROPE(ECE)(ed.). 1983. Urban renewal . Issue paper on area - based improvement prepared by the delegation of Sweden . Vol. 12, Geneva.
- ECONOMIC COMMISSION FOR EUROPE (ECE) (ed.), 1985. Urban renovation as part of a global policy in France. Vol. 13, Geneva.
- EINEM, E. von, 1987, Comparing Urban Revitalization in the United States and West Germany. In: C.S. YADAV (ed.) Slums, Urban Decline and Revitalization . Perspectives in Urban Geography VII. Concept Publishing Company. New Delhi.
- FASSBINDER H. and E. KALLE, 1982 . A comparative study of urban renewal policy. The Netherland National Committee for the European Urban Renaissance Campaign. Rotterdam.
- FRIEDMAN, A., 1983, Social relations at work and the generation for inner city decay. In: J.ANDERSON, S. DUNCAN and R. HUDSON (eds.) Redundant Space in Cities and Regions: Studies in Industrial Decline and Social Change. Institute of British Geographers. Special Publication 15.
- GALE , D. E., 1984 . Neighbourhood Revitalization and the Postindustrial City: A Multinational Perspective. Lexington Books, Lexington , Mass.
- GIBSON , M.S. and M.J. LANGSTAFF, 1982. An introduction to urban renewal . (British policy from the 1960s to the present). Hutchinson, London.
- GOTTDIENER, M., 1987. The decling of urban politics: Political theory and the crisis of the local state. Sage Library of Social Research. Beverly Hills, Cal.
- GOTTDIENER, M., 1985. Symposium . whatever happened to the urban crisis? *Urban Affairs Quarterly*: 20,4.
- HALL, p., 1987. Urban Growth and Decline in Western Europe. In: M. DOGAN and J.D. KASARDA (eds.) . The Metropolis Era 1. A World of Giant Cities. Sage Publications, London.
- KRUMM, R.J. VAUGHAN , 1976. The economics of urban blight. The Rand Paper Series, Santa Monica, Cal.
- LANG, M.H.1982, Gentrification amid urban decline: strategies for America's older cities. Cambridge, Mass.
- LASKA , S.B. and D. SPAIN (eds.) . 1980 . Back to the City: Issues in Neighborhood Renovation . New York.
- Leven, Ch. L. et al., 1976. Neighborhood change: lessons in the APPELEYARD, D., 1979. The Conservation of European Cities. The MIT Press, Cambridge, Mass, and London: 8-275.
- BEAURGARD, R.A.1988.Urban restructuring in comparative prespective. In : R.A. BEAUREGARD (ed.). Atop the Urban Hierarchy. Rowman and Littlefield , Totowa, N.J.
- BERGER, G.E. 1967. The concept and causes of urban blight. *Land Economics* 42: 369-383.
- BERRY, B.J.L., 1985. Island of reweal in seas of decay. In: P. PETERSEN (ed). The New Urban Reality. Brooking Institution , Washington. D.C. : 69 - 96.
- BERRY, B.J.L., R.J. TENANT and B.J. GARNER, 1963. Commerical structure and commerical blight, retail patterns and processes in the city of Chicago. Research Paper 85, Dept. of Geography , University of Chicago.
- BORGHORST, H., 1987. Citizen Participation in Urban Renewal in Berlin (West). In: C.S. YADAV (ed). Slums, Urban Decline and Revitalization. Perspectives in Urban Geography VII. Concept Publishing Company, New Delhi
- BOULDING, K.E., 1963. The death of the city: a frightened look at post - civilization. In: O. HANDLIN and J. BURCHARD (eds.) . The Historian and the City. MIT-Press, Comgrige, Mass.: 133-145.
- BOURNE, L. S., 1980 Alternative Perspectives on urban decline and population deconcentration . *Urban Geography* I: 39-52.
- BOVENTER, E. von , 1979 . Urban Decay as a Process. CES Conference Series 21 : 481 - 508.
- BURTENSHAW, D. und B. CHALKLEY, 1990. Urban decay and rejuvenation. In: D. PINDER and J.DAWSON (eds.) Western Europa - Challenge and Change. Belhaven Press. London.
- CHESHIRE, P.C., G. CARBONARO and D. HAY, 1986. Problems of urban decline and growth in EEC countries: or measuring degrees of elephantness . *Urban Studies* 23,2:131-151.
- CHOATE, P. and S. WALTERS. 1983. American in Ruins : The Decaying : The Decaying Infrastructure. Duke, Durham, N.C.
- CORTIE, C. and J. VAN DE VAN, 1981. "Gentrification": keert de woonelite terngnaar de stad? *TESG* 15,5 429 - 446.
- CYBRIWSKY, R.A. and J. WESTERN, 1982. Revitalizing downtowns:by whom and for whom? IN: D.T. HERBERT and R.JJOHNSTON (eds.) . *Geography and the urban environment*. John Wiley, Chichester: 343-365.
- DAVID J.and Kiss , 1984, Ruin and reconstruction of the existing building. Maintenance issues of large panel buildings in Hungary . Symposium Industrialized Concrete Structures of Residential and Public Bulidings. Papers 2 (= Institute for Building Science Bulletin 78), Budapest : 33 - 41 and 117 - 129.
- DEARM., 1976. Abandoned Housing. In: J.S. ADAMS (ed.)Urban



- York.
- MARCUSE, P., 1986. Abandonment , Gentrification , and Displacement. The Linkages in New York City. In: N. SMITH and P. WILLIAMS (eds.) , Gentrification of the City. London and Sydney : 153 - 177.
- MARCUS, P. 1987. The Decline of Cities in the United States: Inevitable Deliberate ? In: C.S. YADAV (ed.) Slums, Urban Decline and Revitalisation. Perspectives in Urban Geography VII. Concept Publishing Company, New Delhi.
- McKEAN, C., 1977. Fight blight: a practical guide to the causes of urban dereliction and what people can do about it. Kaye & Ward London.
- MEDHURST, F., and J. P. LEWIS, 1969. Urban decay: an analysis and a policy. Macmillan, London.
- ROSE E.A. (ed.) 1986. New roles for old cities. Anglo - American Policy on declining urban regions Gower, Aldershot .
- ROSENTHAL, D.E. (ed.), 1980. Urban Revitalization . Sage Publications, Beverly Hills, Cal.
- SMITH, N. and . P. WILLIAMS (eds.) , 1984. Gentrification , housing and the restructuring of urban space. Croom Helm, London.
- THOMAS, A.D., 1986. Housing and urban renewal: residential decay and revitalisation in the private sector. Urban and Regional Studies 12.
- THOMPSON, F.M.L. (ed.) 1982. The rise of suburbia. Themes in Urban History. Leicester University Press, Leicester.
- VANDEN BERG, L. and L. H. KLASSEN, 1978. The Process of urban decline. Working Paper 6. Netherlands Economic Institute . Rotterdam.
- WEGENER, M. , 1982 . Modelling urban decline - a multilevel economic - demographic model for the Dortmund region. International Regional Science Review 7 : 217 - 241 .
- WEGENER, M., 1986. Modelling the Life Cycle of Industrial Cities: A Case Study of Dortmund , Germany, Paper Present at the International Seminar in Economic .
- Change and Urbanization Trends within Medium Size Metropolitan Systems in Europe, IRPET, Firenze: 18-19 December 1986.
- WHITE, P., 1984. The West European City. A Social Geography Longman, London and New York.
- YADAV. C.S. (ed.), 1987. Slums, Urban Decline and Revitalization. Perspectives in Urban Geography VII. Concept Publishing Company. New Delhi.
- dynamics of urban decay. Praeger Special Studies U.S. Economic, Social , and Political Issues. New York.
- LEVINE. M. V., 1987. Downtown redevelopment as an urban growth strategy: a critical appraisal of Baltimore renaissance. Journal of Urban Affairs 9,2.
- LEVY, J.P., 1987. The Rehabilitation of Town Centres and Old Quarters / Neighbourhoods in France: Rationality and Interpretation Using the Example of Toulouse. In : C.S.YADAV (ed.). Slums, Urban Decline and Revitalization . Perspectives in Urban Geography VII. Concept Publishing Company, New Delhi.
- LEY, D., 1980. Liberal ideology and the post - industrial city. Annals of the Association of American Geographers 80: 238 - 258.
- LICHTENBERGER, E., 1970. The Nature of European Urbanism . Geoforum 4: 45-62.
- LICHTENBERGER, E. 1970. The Changing Nature of European Urbanization. In: B.J.L. Berry (ed) Urbanization and Counterurbanization. Urban Affairs Annual Reviews 11:81 - 107
- LICHTENBERGER 1987. Guestworkers - Life in two Societies (with H. FASSMANN, EDP technology in G.GLEB and J.O.LOUGHLIN (eds) Foreign Minorities Continental European cities , Erdkundliches Wissen 84:240 - 257.
- LICHTENBERGER, E., 1987. Zweitwohnungen im Stadtlumland. Berliner Geographische Arbeiten . Sonderheft 4 (Jubiläumskonferenz 1986 der Sektion Geographie der Humboldt - Universität zu Berlin): 68-74.
- LICHTENBERGER, E., 1987. Perspectives of Urban Geography . In: Recherches de Géographie urbaine. Hommage au Professeur J.A. Sporck, tome 1:105-129. Presses Universitaires de Liege. Liege.
- LICHTENBERGER, E., 1990. Stadtverfall und Stadterneuerung . Beiträge zur Stadt - und Regionalforschung . Band 10. Verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften. Wien.
- LICHTENBERGER. E. (ed. together with G.HEINRITZ) . 1986. The Take - off of Suburbia and the Crisis of the Central City. Proceedings of the International Symposium in Munich and Vienna 1984. Erdkundliches Wissen 76.
- LICHTENBERGER, E. and G. HEINRITZ 1986. Munich and Vienna - A Cross - national Comparison. In: Proceedings of the International Symposium in Munich and Vienna 1984 . Erdkundliches Wissen 76:1-29.
- LIPTON, G.S., 1987. The Future Central City: Gentrified or Abandoned? In: C.S.YADAV (ed.). Slums . Urban Decline and Revitalization. Perspectives in Urban Geography VII. Concept Publishing Company, New Delhi.
- LONDON, B. and J. PALEN , 1984. Gentrification, Displacement and Neighborhood Revitalization. State University. Albany , New